

A Comparative Study of Cognitive Warfare: Strategic Innovation by Recreating Old Patterns

Javad Momeni¹, Ali Gorji^{2,3*}

¹Shefa Neuroscience Research Center, Khatam Alanbia Hospital, Tehran, Iran

²Epilepsy Research Center, Department of Neurosurgery, Münster University, Münster, Germany

³Neuroscience Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

Article Info:

Received: 25 Oct 2025

Revised: 13 Nov 2025

Accepted: 16 Nov 2025

ABSTRACT

Introduction: In recent decades, psychological warfare has emerged as one of the key components of contemporary hybrid operations. Psychological warfare employs deliberate cognitive strategies to influence the emotions, thoughts, beliefs, and behaviors of target populations. These strategies include propaganda, the dissemination of biased information, the dissemination of rumors, threats, economic sanctions, and other psychological methods. Although the fundamental nature of these cognitive strategies has remained relatively consistent over time, the means and tools of their application have changed significantly. Examining the historical roots of psychological warfare and analyzing the evolution of its techniques can provide a deeper understanding of the dynamics shaping this domain. This review article aimed to explain the theoretical and historical foundations of cognitive warfare and to examine the evolution of its methods within the context of contemporary de-

Conclusion: The evolution of psychological warfare demonstrates that while developments tactics and instruments have changed, their underlying principles remain constant. A critical analysis of these methods and the promotion of public awareness regarding psychological and informational manipulation can play a vital role in enhancing societal cognitive resilience, strengthening national cohesion, and neutralizing future psychological threats.

Keywords:

1. Cognition
2. Resilience, Psychological
3. Methods

*Corresponding Author: Ali Gorji

Email: gorjial@uni-muenster.de

مطالعه تطبیقی جنگ شناختی: نوآوری استراتژیک با بازآفرینی الگوهای قدیمی

جواد مومنی^۱، علی گرجی^{۲*}

^۱مرکز تحقیقات علوم اعصاب شفا، بیمارستان خاتم الانبیاء، تهران، ایران
^۲مرکز تحقیقات صرع، گروه جراحی مغز و اعصاب، دانشگاه مونسטר، مونسטר، آلمان
 مرکز تحقیقات علوم اعصاب، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران

اطلاعات مقاله:

پذیرش: ۲۵ آبان ۱۴۰۴

اصلاحیه: ۲۲ آبان ۱۴۰۴

دریافت: ۳ آبان ۱۴۰۴

چکیده

مقدمه: در دهه‌های اخیر، جنگ روانشناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی عملیات ترکیبی معاصر ظهور کرده است. جنگ روانشناختی از استراتژی‌های شناختی عمدی برای تأثیرگذاری بر احساسات، افکار، باورها و رفتارهای جمعیت‌های هدف استفاده می‌کند. این استراتژی‌ها شامل تبلیغات، انتشار اطلاعات مغرضانه، انتشار شایعات، تهدیدها، تحریم‌های اقتصادی و سایر روش‌های روانشناختی است. اگرچه ماهیت اساسی این استراتژی‌های شناختی در طول زمان نسبتاً ثابت مانده است، اما ابزارها و وسایل کاربرد آنها به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. بررسی ریشه‌های تاریخی جنگ روانی و تحلیل تکامل تکنیک‌های آن می‌تواند درک عمیق‌تری از پویایی‌های شکل‌دهنده این حوزه ارائه دهد. این مقاله مروری با هدف توضیح مبانی نظری و تاریخی جنگ شناختی و بررسی تکامل روش‌های آن در چارچوب تحولات معاصر انجام شده است. **نتیجه‌گیری:** تکامل جنگ روانشناختی نشان می‌دهد که در حالی که تاکتیک‌ها و ابزارها تغییر کرده‌اند، اصول اساسی آنها ثابت مانده است. تحلیل انتقادی این روش‌ها و ارتقای آگاهی عمومی در مورد دستکاری روانشناختی و اطلاعاتی می‌تواند نقش حیاتی در افزایش تاب‌آوری شناختی جامعه، تقویت انسجام ملی و خنثی‌سازی تهدیدهای روانی آینده ایفا کند.

واژه‌های کلیدی:

- ۱- شناخت
- ۲- تاب‌آوری روانشناسی
- ۳- روش‌ها

*نویسنده مسئول: علی گرجی

پست الکترونیک: gorjial@uni-muenster.de

مقدمه

مفاهیم روان و شناخت انسان در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از عوامل مهم در عملیات‌های نظامی ظهور کرده است. جنگ شناختی^۱ به میدان نبرد اصلی در جنگ مدرن تبدیل شده است و به بهترین وجه به‌عنوان استراتژی‌ای توصیف می‌شود که بر «ایجاد تغییر در الگوهای فکری جمعیت هدف و در نهایت، دگرگونی در رفتار آن‌ها از طریق دستکاری اطلاعات» تمرکز دارد (۲). جنگ روانی به مجموعه‌ای از اقدامات برنامه‌ریزی شده برای تأثیرگذاری بر احساسات، افکار، باورها و رفتار طرف مقابل اطلاق می‌گردد که با استفاده از تبلیغات، شایعه پراکنی، اطلاعات جهت دار، تهدید و سایر روش‌های روانشناختی انجام می‌گیرد. جنگ شناختی یک مفهوم علمی نسبتاً جدید است که هدف از آن سوءاستفاده از شناخت انسان برای مختل کردن، تضعیف، تأثیرگذاری یا اصلاح در تصمیم‌گیری‌های وی است (۳). در دنیای امروز جنگ شناختی به‌عنوان حوزه‌ای مستقل در جنگ مدرن دیده می‌شود که در کنار چهار حوزه نظامی زمین، دریا، هوا و فضا که توسط محیط تعریف می‌شوند و حوزه سایبری که همه آن‌ها را به هم متصل می‌کند، بخوبی دیده می‌شود (۴). در طول دو دهه گذشته، مرزبندی بین صلح و درگیری به طور فزاینده‌ای نامشخص شده است. در همین دوره، تغییرات شناختی که توسط نوآوری‌های فناوری و شبکه‌های اجتماعی ایجاد شده است، شیوه ارتباط افراد، گروه‌ها، نهادها و کل جوامع و همچنین نحوه تولید و مصرف اطلاعات توسط آن‌ها را به طور اساسی تغییر داده است.

طراحی ابزارهای دیجیتال مانند تلفن‌های همراه هوشمند، ساعت‌های هوشمند، تبلت‌ها و غیره بیشتر از هر زمانی در تاریخ توانسته است تمام سطوح فرایندهای شناختی (مانند توجه، تمرکز، حافظه و تصمیم‌گیری) را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا هر یک از مراحل زیر با ابزارهای دیجیتال جایگزین شده‌اند و می‌توان آنها را هدف قرار داد. این مراحل عبارت‌اند از:

۱. تأثیر بر ابعاد روانشناختی، رابطه‌ای و انگیزشی انسان‌ها با ایجاد شک در قطعیت‌ها، و از طریق بمباران ذهن با پیام‌های هدف‌دار؛
۲. در حوزه سایبری بانفوذ در شبکه‌های اطلاعاتی مانند اطلاعات حساس نظامی و بانکی؛
۳. با هدف قراردادن مستقیم توانایی‌های شناختی فردی، باهدف در خدمت گرفتن آن‌ها در جهت اهداف موردنظر (۴).

در این زمینه برخی از کشورها، از جمله کشورهای غربی با توجه به نقش، جایگاه و اهمیت فزاینده جنگ شناختی، با تأسیس موسسه‌های ویژه وابسته به دولت، آن را به‌عنوان ابزاری کارآمد و تأثیرگذار در جهت نیل به اهداف خود تعریف کرده‌اند. انجام اقدامات شناختی مستلزم تجهیز به انواع مختلفی از داده‌ها، هم چون داده‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی است. میدان جنگ شناختی ذهن انسان و تسلیحات آن فناوری‌های رسانه‌ای، اطلاعاتی، داده‌ای و شناختی است. بی تردید عناصر و مؤلفه‌های بسیار زیادی در ایجاد و شکل‌دهی یک جنگ شناختی، نقش دارند. این نوع از جنگ با طیف و گستره وسیعی از مخاطبان در ارتباط است (۵). هدف این است که نه تنها چیزی که مردم فکر می‌کنند، بلکه نحوه رفتار آنان نیز تغییر کند. این جنگ می‌تواند بدون توسل به دخالت نظامی جامعه را تحت سلطه خود درآورد (۶).

دو تحول اساسی منجر به افزایش جدی راهبردی در جنگ روانی گردید. اول، پیشرفت فناوری و تغییر در شیوه دریافت اطلاعات (عمدتاً از طریق شبکه‌های اجتماعی)، ظرفیت بیشتر دشمنان را برای جمع‌آوری و دست‌کاری اطلاعات، تغییر احساسات افراد و نهایتاً تغییر در باورها و رفتار افراد را افزایش داد. این امر فرصت مناسبی را جهت بهره‌برداری حداکثری با استفاده از فناوری‌های نوین (مانند هوش مصنوعی) و گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که بر افکار، احساسات و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد فراهم کرد. این تغییرات بر افکار و رفتارهای شهروندان اغلب نامحسوس هستند و امکان تمایز بین اخبار صحیح و واقعی را از اخبار جعلی به شدت محدود می‌کند (۷). دوم، توسعه شبکه اینترنت، اپلیکیشن‌های موبایلی و فضای مجازی در مناطق نظامی، بانکی و استراتژیک، امکان اجرای سریع و ناشناس حملات سایبری را فراهم آورد (۷). این حملات به نوبه خود می‌تواند بصورت ثانویه به شدت بر امنیت روانی و شناختی شهروندان تأثیرگذار باشد.

ظهور هوش مصنوعی منجر به تغییرات قابل توجهی در نحوه مدیریت و انتشار اطلاعات گردیده است. از یک سو به‌راحتی و بدون دانش تخصصی در دسترس و قابل استفاده هستند و دسترسی بی‌نظیری به منابع، اطلاعات و دانش ارائه می‌دهند؛ و به طور بالقوه با ساده‌سازی تجزیه و تحلیل داده‌های پیچیده، فرایندهای تصمیم‌گیری را غنی‌تر می‌کنند. اما از سوی دیگر، پتانسیل بالایی برای سوءاستفاده، به‌ویژه در تولید

^۱ Cognitive warfare

بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن، رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای سایبری بازتعریف شده‌اند. مطالعه تطبیقی این تغییرات، به ویژه در زمینه استفاده تاریخی از جنگ شناختی، می‌تواند به درک عمیق‌تر از چگونگی تطبیق تاکتیک‌ها با شرایط اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیک معاصر کمک کند. هدف این مقاله مروری، تحلیل ریشه‌های تاریخی جنگ شناختی، بررسی مسیر تحول تکنیک‌ها و ابزارهای آن، و استخراج درس‌هایی است که می‌تواند در توسعه راهکارهای دفاعی، تاب‌آوری اجتماعی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های شناختی کاربرد داشته باشد.

پیشینه جنگ شناختی

اهمیت جنگ شناختی زمانی که از دریچه تاریخی نگریسته شود، آشکار می‌شود. از سال ۲۰۷۰ قبل از میلاد، استراتژیست‌های نظامی چینی نقش محوری و تاثیرگذار روانشناسی را در تاکتیک‌های نظامی تشخیص دادند. این استراتژیست‌ها از جنگ روانی به‌عنوان "جنگ حمله به قلب" یاد می‌کردند. سان تزو^۲ یکی از مهم‌ترین استراتژیست‌های نظامی چینی بود (۸). سان تزو در کتاب خود "هنر جنگ"^۳، بینش‌های عمیق و راهکارهایی ارائه داد که همچنان در این حوزه کاربرد دارند و مسلماً در جنگ مدرن نیز کاربرد دارند (۹).

ریشه‌های جنگ شناختی را می‌توان در چارچوب وسیع‌تر «جنگ روانی»^۴ ردیابی و مشاهده کرد. ظهور اولیه این ایده‌ها را می‌توان تا سال ۱۹۲۰ ردیابی نمود که در کارهای جی. اف. سی. فولر^۵ خود را نشان داد. وی برای اولین بار در تحلیل خود از جنگ جهانی اول، اصطلاح جنگ روانی را ابداع کرد و پیش‌بینی نمود که در آینده‌ای نه‌چندان دور روش‌های مرسوم جنگ فیزیکی ممکن است با جنگ صرفاً روانی جایگزین گردد. در این شیوه جدید جنگی، سلاح‌های سنتی و درگیری‌های در میدان نبرد جای خود را به نوع متفاوتی از جنگ می‌دهند که در آن حکومت‌ها به دنبال استفاده از سلاح یا تصرف سرزمین طرف مقابل خود همراه با تلفات سنگین نیستند. در این شیوه جدید حکومت‌ها به دنبال دست‌کاری تفکر و شناخت انسان و مختل کردن بنیان‌های اخلاقی و معنوی آن ملت هستند و آن را از طریق نفوذ اعمال می‌کنند تا در نهایت پیروزی را با حداقل تلفات تضمین کند (۹). از آن زمان به بعد جنگ روانی علیه کشورهای مختلف از سوی قدرت‌های نظامی و بزرگ جهان هر روز رو به گسترش نهاد و در چند دهه اخیر به اوج خود رسید. در این بین، جنگ روانی قدرت‌های غربی علیه

انبوه اخبار جعلی و اطلاعات نادرست دارند. این قابلیت می‌تواند سیستم‌های اطلاعاتی را به شدت بی‌ثبات کند. همچنین نهادهایی که به ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی مجهز هستند، می‌توانند نفوذ چندبرابری بر افکار عمومی داشته باشند. در نهایت، نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد نقض حریم خصوصی ایجاد می‌کنند (۳). لذا هوش مصنوعی می‌تواند در راستای اهداف جنگ شناختی عمل نماید. این اهداف می‌تواند از طریق شبکه‌های نفوذ (تحریک ناآرامی‌های مردمی)، اختلال در خدمات‌رسانی (سازمان‌های دولتی، بانک‌ها، بیمارستان‌ها، خدمات اورژانس) و سرقت اطلاعات (از طریق افشای اطلاعات خصوصی یا به اشتراک گذاشتن رمزهای عبور) صورت پذیرد (۴).

جنگ شناختی را می‌توان از دو دیدگاه مورد مطالعه قرار داد: یکی در سطح کلان و دیگری بر اساس ابزارهای در دسترس. دیدگاه نخست بر شکل‌دهی فرهنگی متمرکز است که یا هدف آن دست‌کاری ذهن‌هاست، یا در نقطه مقابل، ایجاد تاب‌آوری و تقویت امنیت شناختی و جهانی. این رویکرد هم به آموزش و آگاه‌سازی افرادی می‌پردازد که ممکن است هدف اقدامات یا نیت‌های سوء قرار گیرند، و هم از ابزارهای شناختی برای مقابله با چنین تهدیدهایی بهره می‌گیرد. بعد شناختی بر پایه شناخت روانشناسی کنشگران، جامعه‌شناسی گروه‌ها و جمعیت‌های خاص، و نقش فرهنگ در تصمیم‌گیری و منطق رفتاری آنان استوار است. سطح دوم این بُعد به حوزه‌های مختلف شناخت مربوط می‌شود؛ از جمله دوگانگی تصمیم و تردید، خطاها و سوگیری‌های شناختی، ادراک و خطای ادراکی، سایبرنتیک و از دست دادن کنترل، تأثیرگذاری و قدرت نرم، روانشناسی سایبری، تعامل میان انسان و سامانه‌ها، رباتیک و پهبادهای خودمختاری و اخلاق در فناوری‌های نو، انگیزش و ازدست‌رفتن آن (ناامیدی و تسلیم)، اخلاق و تعارض ارزش‌ها، ارتباط روانشناسی و دین، ضرورت حمایت روانپزشکی در موارد بحران یا آسیب پس از سانحه، امنیت سایبری و قابلیت اعتماد انسانی (۴).

بررسی ریشه‌های تاریخی تکنیک‌های جنگ شناختی نه تنها در درک روند تغییرات و تحولات این حوزه کمک‌کننده است، بلکه امکان شناسایی الگوها و اصولی که تاکتیک‌های جدید بر اساس آن‌ها شکل گرفته‌اند را نیز فراهم می‌آورد. رویکردها و روش‌های نوین جنگ شناختی، در حقیقت شکل‌های تغییر یافته و توسعه‌یافته‌ای از تاکتیک‌های پیشین هستند که با

² Sun Tzu

³ The Art of War

⁴ Psychological Warfare

⁵ J.F.C. Fuller

خود را بیشتر بر پایه احساسات لحظه‌ای می‌گیرد تا تحلیل منطقی. به همین دلیل، پیام‌های هیجانی در جنگ شناختی می‌توانند به سرعت واکنش‌های جمعی مانند خشم، ناامیدی یا ترس فراگیر ایجاد کنند (۱۵).

ایجاد بار شناختی

یکی از اهداف عملیات رسانه‌ای در جنگ شناختی، غرق کردن مخاطب در انبوهی از اطلاعات متناقض و بی‌پایان است. این وضعیت که خستگی شناختی^۶ نام دارد، موجب کاهش تمرکز، بی‌اعتمادی به همه منابع، و در نهایت نوعی تسلیم ذهنی^{۱۱} می‌شود. هنگامی که فرد احساس می‌کند دیگر نمی‌تواند میان درست و نادرست تمایز قائل شود، به طور ناخودآگاه تمایل پیدا می‌کند پیام‌های غالب را بدون مقاومت بپذیرد. در سطح جمعی، این وضعیت به شکل بی‌تفاوتی اجتماعی و کاهش مشارکت فکری در تصمیم‌گیری‌های عمومی بروز می‌کند (۱۶).

مهندسی ادراک و بازتعریف دشمن

در چارچوب جنگ شناختی، پیام‌هایی مستقیم و ظاهراً همدلانه خطاب به مردم ایران منتشر شد. این پیام‌ها با تمایزگذاری میان «مردم» و «نظام سیاسی» تلاش می‌کردند مرزهای ذهنی میان خودی و دیگری را بازتعریف کنند. این تکنیک کلاسیک مهندسی ادراک^{۱۲} به گونه‌ای طراحی می‌شود که مخاطب احساس کند دشمن اصلی او نه قدرت خارجی، بلکه ساختار داخلی کشور است. در چنین شرایطی، همگرایی ملی کاهش یافته و نظام اجتماعی از درون تضعیف می‌شود، بدون آنکه نیازی به مداخله نظامی مستقیم باشد (۱۴).

جنگ شناختی در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران

قدرت‌های غربی در دهه‌های اخیر همواره منافع متضاد با ایران داشته‌اند و در این چارچوب از روش‌های مختلف، از جمله جنگ شناختی، برای تأثیرگذاری بر ادراک و رفتار مردم و دولت استفاده کرده‌اند. جنگ شناختی به‌ویژه با هدف ایجاد نارضایتی عمومی و فشار بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی انجام می‌شود و معمولاً با ابزارهای اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی ترکیب می‌شود. تحریم‌ها، محدودیت‌های تجاری، عملیات اطلاعاتی و سایبری نمونه‌هایی از این اقدامات هستند که برای تغییر نگرش‌ها و رفتارها طراحی شده‌اند. توافقی‌هایی مانند برجام نشان‌دهنده تلاش برای کاهش فشارها و دستیابی به حل‌وفصل دیپلماتیک مناقشات هستند، اما خروج یک‌جانبه کشورها از توافقات و ادامه اقدامات خصمانه

ایران، تاریخی طولانی دارد که می‌توان آن را از دوران مشروطه تا جریان ملی‌شدن صنعت نفت و از آن پس تا امروز، ردیابی کرد (۸).

مکانیسم‌های ذهنی در جنگ شناختی

از منظر روانشناسی شناختی و علوم اعصاب، این رویکردها بر چند مکانیزم کلیدی ذهن انسان تکیه دارند:

اثار تکرار

تکرار مداوم یک گزاره، حتی اگر نادرست باشد، در گذر زمان موجب می‌شود مغز انسان آن را به‌عنوان واقعیت بپذیرد. این پدیده به دلیل تمایل سیستم شناختی انسان به پردازش آسان‌تر اطلاعات آشنا رخ می‌دهد؛ یعنی ذهن ما هرچه را سریع‌تر و راحت‌تر پردازش کند، صادق‌تر تلقی می‌کند (۱۰). در فضای جنگ شناختی، انتشار پی‌درپی پیام‌های یکسان در کانال‌های مختلف (رسانه‌های رسمی، شبکه‌های اجتماعی، و حتی پیام‌های فردبه‌فرد) باعث می‌شود که ذهن جمعی، به‌صورت ناخودآگاه، واقعیت جعلی را به‌عنوان «حقیقت مسلم» درونی کند. این تکنیک، پایه بسیاری از کارزارهای اطلاعات نادرست^۷ است و در شرایط بحران، کارایی مضاعفی دارد زیرا اضطراب عمومی، قدرت تفکر انتقادی را کاهش می‌دهد (۱۱).

سوگیری تأییدی

انسان‌ها تمایل دارند اطلاعاتی را بپذیرند که با باورها، نگرش‌ها و تجربیات پیشینشان هم‌خوانی دارد. در جنگ شناختی، از این ضعف برای تقویت شکاف‌های اجتماعی و سیاسی بهره‌برداری می‌شود. طراحان عملیات روانی، پیام‌هایی تولید می‌کنند که با ترس‌ها و انتظارات گروه‌های مختلف همسو است؛ برای مثال، به گروهی حس بی‌عدالتی و به گروهی دیگر حس برتری القا می‌شود. در نتیجه، جامعه به تدریج به سمت قطبی‌شدن^۸ پیش می‌رود و انسجام شناختی آن از هم می‌پاشد (۱۴-۱۲).

شرطی‌سازی هیجانی

یکی از قدرتمندترین ابزارهای تأثیرگذاری بر ذهن، تحریک سیستم هیجانی مغز است. انتشار تصاویر و روایت‌های احساسی از رنج، کمبود، ناامنی یا خیانت، مراکز هیجانی مغز، به‌ویژه آمیگدالا^۹ را فعال می‌کند. آمیگدالا نقش کلیدی در پردازش ترس و تهدید دارد و با فعال‌شدن آن، مسیرهای منطقی در قشر پیش‌پیشانی^۹ تضعیف می‌شوند. در چنین شرایطی، فرد تصمیم‌های

⁶ Disinformation Campaigns

⁷ Polarization

⁸ Amygdala

⁹ Prefrontal Cortex

¹⁰ Cognitive Fatigue

¹¹ Cognitive Surrender

¹² Perception Management

تهدیدی برای منافع و موقعیت بین‌المللی خود می‌دیدند و اقدامات ملی‌گرایان را برخلاف توافقات قبلی قلمداد می‌کردند. در حقیقت، هدف طرف ایرانی دستیابی به کنترل کامل بر فرایندهای تولید و توزیع منابع بود، در حالی که طرف خارجی این تمایل را تهدیدی مستقیم برای جایگاه خود در عرصه جهانی می‌دانست. لذا بریتانیا در تلاش خود برای حفظ کنترل نفت ایران، از انواع روش‌های جنگ شناختی در رسیدن به اهداف خود استفاده نمود. در اولین قدم، بریتانیا تحریم‌های غربی را ترتیب داد که تا به اقتصاد ایران ضربه وارد نماید (۲۲، ۲۳).

پس از شکست مذاکرات میان ایران و قدرت‌های غربی، این کشورها اقدام به استفاده از روش‌های جنگ شناختی کردند تا اهداف سیاسی خود را دنبال کنند. این اقدامات شامل عملیات تبلیغاتی و شناختی گسترده برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد خصومت نسبت به ملی‌گرایان بود. تاکتیک‌های پیشین تبلیغاتی ادامه یافت و اصلاح شدند تا حمایت از اهداف خارجی، از جمله تغییر دولت وقت و بازگرداندن سلطنت، ممکن شود. نمونه‌ای از این تلاش‌ها، پخش انتقادات از سیاست‌های ملی شدن نفت توسط رادیوها و مطبوعات بین‌المللی بود (۲۴-۲۲).

دولت‌های غربی در جریان کودتای ۱۹۵۳ کمپینی گسترده از تبلیغات روانی علیه مصدق اجرا کردند. این کمپین شامل انتشار مقالات، بروشورها، کاریکاتورها و مطالب خبری جانبدارانه و ضد مصدق در مطبوعات بود و در کنار آن، محتوای جدیدی متناسب با رخدادهای سیاسی تولید می‌شد. یکی از اهداف اصلی این کمپین، متقاعد کردن مردم به این بود که مصدق با کمونیست‌ها همدست است، با شوروی ارتباط دارد و مسئول مشکلات اقتصادی کشور است. همچنین، تصویر او به عنوان قربانی مشاوران بی‌وجدان و در حال فاسد شدن و دیکتاتور شدن، تقویت شد. با ایجاد فاصله میان مصدق و رهبران مذهبی و ملی‌گرای کشور، پایگاه حمایتی او تضعیف شد. در کنار این اقدامات، مقامات قدرت‌های غربی تماس‌های رسمی خود با دولت مصدق را کاهش دادند و غیاب سفیران و مسئولان دیپلماتیک نیز به عنوان بخشی از جنگ روانی علیه او عمل کرد. هدف کلی این کمپین، کاهش حمایت عمومی و سیاسی از مصدق و افزایش فشار برای تغییر دولت بود (۲۳).

کارزار روانی علیه دکتر مصدق از تکنیک‌های متنوعی بهره می‌برد، از جمله رشوه، تبلیغات سیاه، ترور پسم و تحصن‌های رشوه‌ساختگی برای جلب حمایت

نشان‌دهنده تداوم استفاده از ترکیب جنگ شناختی و فشار اقتصادی و سیاسی در روابط بین‌المللی است (۲۱-۱۷).

این اقدامات، در ظاهر جلوه‌ای فیزیکی و نظامی داشتند، اما در عمق خودبخشی از یک جنگ شناختی چندوجهی محسوب می‌شدند؛ جنگی که هدف آن نه صرفاً تضعیف توان نظامی، بلکه دگرگون‌سازی ادراک، احساس و قضاوت مردم ایران بود. با ناکامی این روش‌ها در ایجاد بی‌ثباتی داخلی، در خرداد ۱۴۰۴ حمله نظامی مستقیم از سوی ایالات متحده و اسرائیل آغاز شد. به‌موازات درگیری‌های میدانی، جنگ شناختی و اطلاعاتی با شدت بیشتری دنبال گردید. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وابسته به غرب، با استفاده از حساب‌های کاربری واقعی و جعلی، حجم وسیعی از شایعات، اخبار ساختگی و پیام‌های احساسی را منتشر کردند. محور اصلی این پیام‌ها، القای حس شکست، ناامیدی و بی‌اعتمادی نسبت به ساختار حاکم بود.

جنگ شناختی در روند ملی شدن صنعت نفت

برای نمونه، ملی شدن صنعت نفت در اوایل دهه ۱۹۵۰ و حملات ۱۲ روزه علیه ایران در سال ۲۰۲۵ به عنوان نمونه‌هایی از عملیات‌های روانی علیه ایران قابل توجه هستند. در این مقاله، این دو رویداد به عنوان شواهدی برای بررسی و مقایسه جنگ روانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مقایسه آن‌ها نشان می‌دهد که اصول و هدف‌های کلی این نوع جنگ ثابت باقی مانده‌اند، اما تنها روش‌ها و ابزارهای به کار رفته تغییر یافته و با شرایط زمان و فناوری‌های موجود تطبیق یافته‌اند.

یکی از نمونه‌های تاریخی و شاخص جنگ روانی در ایران، نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق است جایی که قدرت‌های خارجی با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع جنگ شناختی، از جمله شایعه‌سازی، تحریم اقتصادی، تحریک شکاف‌های داخلی و عملیات فریب، در پی تضعیف مشروعیت دولت و تغییر نگرش افکار عمومی بودند. برای نمونه، انتشار شایعات درباره وضعیت روانی مصدق، نسبت دادن مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم نفت به ناکارآمدی دولت، و تلاش برای ایجاد فاصله میان او و گروه‌های مذهبی و سیاسی، بخشی از این جنگ روانی سازمان‌یافته را تشکیل می‌داد.

در دوران ملی شدن صنعت نفت، مردم ایران به دنبال احقاق حقوق سیاسی خود و کنترل منابع ملی و تأکید بر استقلال کشور از نفوذ خارجی بودند. در مقابل، قدرت‌های خارجی تلاش ایران برای کنترل منابع خود را

صنعت نفت و دوران معاصر ایران را مشاهده نمود:

نتیجه‌گیری

درک این نکته ضروری است که تکنیک‌های جنگ شناختی از اوایل قرن بیستم تاکنون تغییر ماهوی نداشته‌اند، بلکه نوسازی آن‌ها بیشتر ناشی از پیشرفت‌های فناورانه، از جمله رسانه‌های اجتماعی، بوده است که روش‌های سنتی را دگرگون کرده است. بررسی دقیق‌تر تعاریف و کاربردها نشان می‌دهد که همپوشانی قابل توجهی میان مفاهیم مرتبط وجود دارد و این امر ادغام کامل آن‌ها در چارچوب گسترده‌تر

بازیگران کلیدی، از جمله رهبران مذهبی و اعضای مجلس، استفاده می‌شد و اطلاعات نادرست به نام گروه‌های سیاسی منتشر می‌گردید تا ترس و بی‌اعتمادی ایجاد شود. تحصن‌ها و اشغال فضاهای نمادین نیز به گونه‌ای طراحی شد که مخالفت گسترده با مصدق را بزرگ‌نمایی کند. نقطه اوج این عملیات، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود که با تظاهرات ساختگی، شعارهای تحریک‌آمیز و القای ناامنی در جامعه، زمینه سرنگونی دولت قانونی را فراهم آورد (۲۵). در جدول زیر می‌توان مکانیسم‌های جنگ روانشناختی مشترک در دو دوران نهضت ملی شدن

جدول ۱- مقایسه جنگ روانشناختی در دو دوره متفاوت تاریخی ایران

رویکرد جنگ شناختی	هدف اصلی	دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۰-۱۳۳۲)	دوران معاصر ایران (۱۳۵۸-اکنون)
تبلیغات رسانه‌ای	تضعیف پایه‌های مشروعیت سیاسی، ایجاد تفرقه	- انتشار اخبار جعلی در مطبوعات وابسته به انگلیس - رادیو BBC فارسی با گفتار ضد مصدق - شایعه پراکنی درباره وابستگی مصدق به شوروی	استفاده هم‌زمان از رسانه‌های بین‌المللی و پلتفرم‌های اجتماعی برای نشر اطلاعات تحریک‌کننده و جانبدارانه
عملیات روانی	القای ناامیدی، تشدید بحران‌های داخلی	- پخش شایعات درباره فروپاشی قریب‌الوقوع دولت - تصویرسازی دکتر مصدق به‌عنوان عامل هرج‌ومرج در جامعه - تحریک گروه‌های مخالف	- انتشار پیام‌های هشداردهنده درباره فروپاشی دولت - ساخت تصاویر جعلی از خشونت‌های حکومتی - تحریک اعتراضات از طریق شبکه‌های اجتماعی
تحریم‌های هدفمند به‌عنوان ابزار روانی	تضعیف ثبات اقتصادی و ایجاد آشوب اجتماعی	- تحریم نفتی: ایجاد بحران مالی و القای «شکست ناگزیر» دولت - بلوکه کردن دارایی‌های ایران در خارج - افزایش نرخ ارز و تورم	- تحریم‌های بانکی و نفتی آمریکا: تشدید تورم و بیکاری برای ایجاد نارضایتی مردمی - محدودیت‌های فناورانه و تکنولوژیکی مانند محرومیت از داروها و تجهیزات پزشکی - افزایش نرخ ارز و تورم
حمایت از گروه‌های مخالف	برانگیختن تفرقه داخلی و فرسایش مشروعیت سیاسی	- تأمین مالی و رسانه‌ای مخالفان دکتر مصدق - آموزش و سازماندهی کودتاچیان (عملیات آژاکس)	- حمایت مالی / رسانه‌ای از گروه‌های مخالف جنبش‌های اعتراضی - پشتیبانی از مخالفان سیاسی و ایجاد بسترهای تبلیغاتی
دیپلماسی تهدیدآمیز	برانگیختن هراس و احساس آسیب‌پذیری در میان مردم	- قطع روابط دیپلماتیک انگلیس با ایران - اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس (نشان دادن قدرت نظامی)	- سخنرانی‌های تهدیدآمیز رهبران کشورهای غربی - گسترش ناوگان‌های نظامی در خلیج فارس
توطئه‌پنداری	دوگانۀ «ما در برابر دشمن» تقویت هویت جمعی	- تصویرسازی از مصدق به‌عنوان فرد تحت کنترل خارجی و مرتبط با کمونیسم	توصیف کشور ایران به‌عنوان «حامی تروریسم»

در تقویت همبستگی ملی، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و خنثی‌سازی تهدیدهای آینده داشته باشد. مطالعه تاریخی و تحلیلی جنگ شناختی، همراه با پژوهش‌های تحلیلی و تجربی عمیق، نه تنها برای فهم گذشته بلکه برای طراحی راهبردهای مؤثر و حفاظت از انسجام ملی در مواجهه با تهدیدهای مدرن ضروری است.

جنگ شناختی را ممکن می‌سازد. تجربه‌های تاریخی، به‌ویژه در مواجهه غرب با ایران در چند دهه اخیر، نشان می‌دهد که روش‌های متفاوت جنگ روانی بر پایه اصول واحدی طراحی و اجرا شده‌اند، با این تفاوت که ابزار و تاکتیک‌ها متناسب با زمان و فناوری تغییر یافته‌اند. تحلیل این شیوه‌ها و آگاه‌سازی جامعه نسبت به ترفندهای به‌کار گرفته شده، می‌تواند نقش مهمی

منابع

1. B. Claverie BP, N. Buchler and F. Du Cluzel. Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance: NATO-STO Collaboration Support Office; 2021.
2. Danyk Y, Briggs CM. Modern Cognitive Operations and Hybrid Warfare. Journal of Strategic Security. 2023; 16(1): 35-50.
3. Deppe C, Schaal GS. Cognitive warfare: a conceptual analysis of the NATO ACT cognitive warfare exploratory concept. 2024.
4. Bernard Claverie FdC. The Cognitive Warfare Concept: NATO Innovation Hub; 2023.
5. Hajizadeh S. Contextual, theoretical, conceptual and practical explanation of cognitive warfare A case study of Russia %J Iranian

- Journal of Wargaming. 2022; 5(10): 103-43.
6. Rahbar A. Semantic system of cognitive warfare and coping strategies %J Cognitive Research in Political Studies. 2024; 1(2): 1-25.
 7. Transformation NAC. Cognitive Warfare Exploratory Concept. 2023. NATO Allied Command Transformation.
 8. Chung Y. Allusion, reasoning and luring in Chinese psychological warfare. International Affairs. 2021; 97(4): 1007-23.
 9. Ibrahim F, Rhode S, Daseking M. A Systematic Review Of Cognitive And Psychological Warfare. 2023.
 10. Riesthuis P, Woods J. "That's just like, your opinion, man": the illusory truth effect on opinions. Psychological Research. 2024; 88(1): 284-306.
 11. Ahmed S, Bee AWT, Ng SWT, Masood M. Social Media News Use Amplifies the Illusory Truth Effects of Viral Deepfakes: A Cross-National Study of Eight Countries. Journal of Broadcasting & Electronic Media. 2024; 68(5): 778-805.
 12. Marjanović A, Smiljanic D. Cognitive warfare - the human mind as the new battlefield 2025.
 13. Paziuk A, Lande D, Shnurko-Tabakova E, Kingston P. Decoding manipulative narratives in cognitive warfare: a case study of the Russia-Ukraine conflict. 2025.
 14. Shabtai SJJ. War, cognitive biases and perception management: The time has come. 2019; 6(4): 28-33.
 15. Balkenius C. A Computational Model of Emotional Conditioning in the Brain. 2003.
 16. Karami A. The European Union's Approach to Cognitive Warfare's Command and Control. Journal of Electrical Systems. 2024; 20: 2721-34.
 17. Stone R. Assassination of top Iran weapons scientist dims hopes for nuclear diplomacy: Science; 2020.
 18. Sawahel W. Concerns raised over killing of nuclear scientists 2025.
 19. International Law Prospective on the JCPOA and Post-JCPOA %J The Journal of Foreign Policy. 2017; 31(1): 51-73.
 20. Tobey W. Overview: nuclear scientists as assassination targets: 2020.
 21. President Donald J. Trump is Ending United States Participation in an Unacceptable Iran Deal: The White House; 2018.
 22. Ponce A. Iranian Receptivity to CIA Propaganda in 1953. History in the Making. 2014; 7.
 23. Saghave-Biria H. UNITED STATES PROPAGANDA IN IRAN: 1951-1953.
 24. Loy H, Acheson D. Iranian Oil Policy 1951.
 25. Farzaneh Vafae AG. Neuroscience of Perception Transformation: Neural Mechanisms in Psychological Warfare and Mind Engineering. The Neuroscience Journal of Shefaye Khatam. 2025.